

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگزلو
۱۳ جنوری ۲۰۲۵



داکتر محمد قراگزلو

اسرار ادبارِ اقتدارِ بشار! (۴. بسترهای فروپاشی دولت سوریه)

درآمد! از موصل تا کابل

نیمه شب ۱۰ جون ۲۰۱۴ زمانی که ۱۰۰۰ نفر از جنگجویان جهادی داعش، موصل – دومین شهر بزرگ و ستراتیژیک عراق- را تسخیر کردند، جهان و ناظران جنگ های منطقه در بُهت فرو رفتند و از خود پرسیدند که "به راستی چه خبر است؟" "چگونه ممکن است؟" "چطور می شود فقط ۱۰۰۰ نفر شبه نظامی تروریستِ هارِ ولگرد بدون شلیک یک گلوله از سوی ارتش عراق و پیشمرگان کورد، شهری به غایت حیاتی با دو میلیون جمعیت را اشغال کرده باشند؟" واوووو!

این دیگر وقوع واقعه ای نادر در تاریخ جنگ های معاصر است. داعش در تاریخ ۶ جون به موصل یورش برده بود. در مقابل این گروه کوچک تروریستی، ارتش ناتوساخته دولت فاسد نوری مالکی با ۶۰ هزار سرباز به اضافه افراد پولیس محلی و فدرال و تعداد زیادی از تفنگچی های پوسیده حزب دمکرات بارزانی صف بسته بودند. چیزی در حدود ۹۰ هزار نفر نیروی مسلح نظامی و پولیسی مجهز به سلاح های پیشرفته و البته هلیکوپتر! این ها فقط آمار روی کاغذ بودند. واقعیت سقوط موصل اما چیز دیگری بود. اوائل ماه جون عباس صدام – سرباز شیعه مذهب - از بخش یازدهم ارتش عراق مستقر در شهر رمادی به موصل منتقل شد. درست پنج روز بعد از حضور این سرباز داعش به شهر حمله کرد. عباس صدام – که به سلامت گریخته بود – می گوید:

«صبح روز دهم جون افسر فرمانده به تمام افراد خود دستور داد بدون هیچ شلیکی سلاح های خود را به داعشی ها تحویل دهیم و بدون لباس نظامی از شهر بگریزیم. افسران و سربازان مترصد این کار بودند که پادگان از سوی مردم سنگباران شد. مردم به طرف ما سنگ می انداختند و فریاد می زدند" ما به وجود شما در شهر خود نیاز نداریم. شما

فرزندان مالکی هستید. شما حرام زاده اید. شما رافضی هستید. شما عضو ارتش ایران هستید" و بعد همه چیز فروپاشید.»

عباس به یاد می آورد که متعاقب سقوط موصل جهادی های داعش – که درهای زندان مرکزی شهر را شکسته و دوستان گجسته خود را آزاد کرده و تکثیر شده بودند – در کوچه و بازار گشت می زدند و به ارتشی ها می گفتند " شما آدم های خوبی هستید و ما با شما کاری نداریم. اسلحه های تان را تحویل دهید و به خانه بروید. در صورت امتناع از دستور شما را خواهیم کشت." پس از موصل شهر بیجی – مرکز بزرگترین پالایشگاه نفت عراق – به طرزی مانسته سقوط کرد. درست مانند تکریت. هلیکوپترهای دولت تبهکار نوری مالکی در پادگان ها فرود می آمدند و افسران ارشد را از میدان جنگ بیرون می کشیدند! سرعت شگفت ناک این پیروزی های ممتد حتا برای فرماندهان داعش نیز عجیب بود. ابو محمد العدنانی (سخنگوی داعش) در این مورد گفته بود:

« دشمنان و حامیان ما به یک اندازه مبهوت شدند. »

برای شما و من سقوط موصل و بیجی و تکریت و... دقیقاً یادآور فروپاشی حما و حمص و حلب و دمشق است. کمالین که تذکرات فرماندهان داعش به نظامیان سرگیجه گرفته موصل عیناً تداعی کننده دستورات محمد جولانی متعاقب سقوط دولت اسد است. "تسلیم شوید. اسلحه های تان را بدهید و بروید. فعلاً و تا اطلاع ثانوی خیر پیش!"

روندی که از سال ۲۰۱۱ شروع شده بود واپسین صحنه اش فقط به اندازه کوتاه کردن و گریس کاری مو و ریش و یافتن لباس رزمی مشابه زلنسکی و سپس تعویض روغن ادوکولون و کت و شلوار و کراوات و کفش ورنی برای احمد شرع طول کشید. نه مگر ملاقات با خانم "محترم" و البته فاشیستی مانند آنالنا بربوک ملزوماتی دارد؟!

تکرار تاریخ آن هم در فاصله ای کوتاه همیشه در قالب "تراژیدی – کمدی" اتفاق نمی افتد. فروپاشی دولت گنبدیه اشرف غنی احمد زی – مابه ازای دولت منحط نوری مالکی- و سقوط دومینوئی ۲۲۳ ولسوالی و تصرف قندوز و هرات و البته میدان هوایی بگرام از سوی ۵۰ تا ۶۰ هزار طالب موتور سوار و سرانجام ورود فاتحانه به کابل بار دیگر "مقامات ناتو و به ویژه امریکا و بریتانیا را مبهوت کرد." از قرار بهت به یکی از خصلت های سرفرماندهی ناتو در خاورمیانه تبدیل شده است! آزادی ۵ هزار زندانی طالب و داعش از پایگاه بگرام و به دنبال آن واقعه ۱۵ اگست ۲۰۲۱ و فرار رئیس جمهوری محبوب ناتو (اشرف غنی) به نحو عجیبی مضحک و بی شباهت به "اکشن" های توخالی و زرد هالیوودی بود. حتا در فلم های استاد سام پکین پا و کونتین تارانتینو خون بیشتری از فتح موصل و کابل ریخته شده! خیلی زود دانسته آمد تحقیقاً دو سوم از اعضای ارتش و پولیس ناتو ساخته افغانستان که بر اساس لیست دولت حقوق می گرفته اند از بیخ وجود خارجی نداشته اند و این پول ها را افسران همسو با دولت کف می رفته اند!!
خاورمیانه است دیگر! سرزمین عجایب بدون آلیس!

بسترهای فروپاشی دولت سوریه!

الف. تلفیق ژئوپولیتیک با نفت و گاز!

می دانم که با خوانندگان عزیز و مخاطبان همراه این مجموعه قرار گذاشته بودم در بخش چهارم به چیستی "ربایش خیزش سوری ها از سوی جهادی ها" پردازم. نویسنده سر قول و قرار خویش ثابت است. اما ترجیح دادم پیش از آن به کلیات موضوع بسترهای فروپاشی "ناگهانی" دولت سوریه وارد شوم و در ادامه ضمن تحلیل جایگاه و رویکرد بازیگران اصلی این داستان نقش تروریست های جهادی را نیز ارزیابی کنم. نگفته پیدا است که تأکید یک جانبه روی یورش جنگجویان جهادی مورد حمایت ناتو و دولت های متحد منطقه نی اش به ویژه ترکیه به اندازه کافی برای بررسی

ماهیت فروپاشی دولت سوریه کافی نیست. همانطور که نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی "خیانت روس" ها اگر هیستری روس سنیزی را پی نگیرد باری یک فرافکنی آشکار است. شکی نیست که تعرض جنایتکارانه تروریست ها طی ۱۳ سال نفس دولت سوریه را گرفته و آن را تا حد ممکن فرسوده و خسته و ضعیف کرده بود. اما این ماجرا همه داستان نیست. در عین حال بخش مهمی از دلایل فروپاشی را باید ناشی از چک های تضمینی و نقد دشمنان خارجی اسد دانست. ادامه دهیم....

با وجود بازیگران مشابه فاجعه عراق و افغانستان داستان فروپاشی دولت اسد اما از جنس دیگری است. واقعیت این است که وقایع اتفاقیه متعاقب خیزش مردم درعا و دخالت دولت های منطقه و حضور فعال تروریست ها جنگ داخلی سوریه را از هر منظر با تمام جنگ های تا کنونی متمایز کرده است. زمین فوتبال گل کوچکی را در نظر بگیرید که پانزده شانزده تیم بزرگ و کوچک در محدوده آن مشغول رقابتی سخت و تا پای جان برای پیروزی قاطع بر رقیب هستند. تماشاگران خشمگینی که به هواداری متعصبانه و منفعت جویانه از این یا آن تیم صندلی ها را شکسته اند و وارد زمین کوچک بازی شده اند. میزبانی - در اینجا دولت سوریه - که زمان را از دست داده است و توان بیرون کردن اینهمه بازیکن و تماشاگر را ندارد و خود به این سو و آن سو پرتاب می شود. در نتیجه این هرج و مرج بی سابقه میزبان روز به روز ضعیف تر و شکننده تر می شود. نه در جریان فروپاشی های دوران سیاه پسادیوار و نه در متن جنگ های خونین بالکان و نه در سودان و سومالی و اوگاندا و آنگولا و چین نه در افغانستان و عراق و لیبیا و یمن و اوکراین سابق هرگز جنگی مانند آنچه از سال ۲۰۱۲ در سوریه جاری بوده وجود نداشته. در نتیجه این جنگ عجیب اقتصاد سوریه به نحو بی سابقه ای فرو ریخت. پیش از سال ۲۰۱۲ تولید ناخالص داخلی ۵۰ میلیارد دالر بود و با وجود خصوصی سازی هائی که از سال ۱۹۹۰ شروع شده بود و با وجود فساد سیستماتیک و الیگارش رومی مخلوف و دیگر گنگ های وابسته به خانواده اسد وضع عمومی معاش مردم بد نبود. به هر حال دولت سوریه علی رغم تمام ناترازمندی های گفته شده از درون جنبش های موسوم به "سوسیالیسم عربی" برخاسته بود و به اندازه معینی از رفاه عمومی پایبند بود. علاوه بر فروش تقریباً ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز دولت درآمدهای دیگری نیز داشت. جاذبه های تاریخی و تمدنی سوریه برای محققان و گروه های دانشگاهی نمی توانست نادیده انگاشته شود. همان طور که وجود بناهای مذهبی از مساجد مورد علاقه سنی ها تا زیارتگاه های شیعه فرصت مناسبی برای درآمد زائی دولت و مردم و البته سرمایه داران رقم زده بود. علاوه بر دو مؤلفه پیش گفته (وجود نفت و گاز در شرق کشور) و جمعیت ۲۱ میلیونی این امتیازها در کنار جاذبه توریستی تفریحی غرب کشور (سواحل بحیره مدیترانه) و امکاناتی که دولت سکولار اسد برای گردشگران غربی فراهم ساخته بود در مجموع اقتصاد متوسطی را برای مردم سوریه ساخته بود. دولت سوریه که از درون جنبش های ملی و ترقی خواه "سوسیالیسم عربی" رشد کرده بود از سال ۱۹۹۰ تسلیم برنامه های نئولیبرالی برتون وودز شد. به دستور حافظ اسد بخش مهمی از صنایع و بانک های ملی به سرعت خصوصی شد و در اختیار باندهای نزدیک به قدرت سیاسی حاکم قرار گرفت. حتا زمانی که بشار - بعد از مرگ تصادفی برادر بزرگ خود بادل - به قدرت رسید و برنامه "بهار دمشق" را با تأکید بر خلع ید از بخش خصوصی و آزادی زندانیان سیاسی در دستور کار خود قرار داد فسیل های بعضی بازمانده از دوران پدر چنان او را زیر فشار گذاشتند که "بیانیه های ۹۹ و ۱۰۰۰" نیز - در جنوری ۲۰۰۱ - با برخورد خصمانه دولت راه به جایی نبرد. به نظر می رسد که بشار قادر به مقابله با باندهای قدیمی قدرت جالفتاده در حزب بعث پدر نیست. برنامه های ملی سازی و رفاه اقتصادی و آزادی های سیاسی فردی و اجتماعی و حزبی در کنار برابری حقوق زنان و مساوات اقلیت های قومی و ملی و مذهبی به سرعت و زیر فشار باندهای قدرت و ثروت زیر فرش رفت و اسد همان راه پدر را در پیش گرفت. دولتی که قرار

بود با حمایت اتحاد جماهیر شوروی از طریق "راه رشد غیر سرمایه داری" به سوسیالیسم برسد چنان به مناسبات متعفن بورژوازی آلوده شد که اقتصاد و سیاستش به انحصار الیگارش ها در آمد.

در افزوده: طرح این مؤلفه به معنای موافقت نویسنده با "راه رشد غیر سرمایه داری" نیست!

با این اوصاف سرزمینی تاریخی را در نظر بگیرید که ۷۳.۶ درصد زنانش با سواد هستند. به لحاظ شاخص توسعه انسانی HDI و برنامه توسعه ملل متحد UNDP – پیش از جنگ داخلی- در میانه جدول بود. منظورم از این شاخص ها وضع بهداشت و درمان و آموزش و سلامت است. با وجود مذاهب و قومیت های مختلف و علی رغم این که حدود ۷۴ درصد باشندگان کشور از میان مردم اهل سنت هستند و دولت حاکم از اقلیت ۱۳ درصدی شیعیان علوی شکل گرفته بود اما نزاع مذهبی و قومی و ملی و هویتی خاصی تا پیش از جنگ داخلی گزارش نشده است. البته کشتار حدود ۲۰ تا ۳۵ هزار نفر از جماعت اخوانی در شهر حما (۲ فبروری ۱۹۸۲) به دستور حافظ اسد واقیعی تلخ در تاریخ سوریه است^۳. به هر حال بعد از شروع جنگ داخلی صنعت توربسم عملاً به محاق رفت. تولید نفت از ۶۷۷ هزار بشکه در سال ۲۰۰۲ به کمتر از ۳۳ هزار بشکه در سال ۲۰۱۴ کاهش یافت. و جالب این که بخش قابل توجهی از همین تولید ابتداء در اختیار جبهه النصره و سپس داعش بود و از ۲۰ نومبر ۲۰۱۷ به تصرف "نیروهای دمکراتیک سوریه" SDF متشکل از کردها مستقر در مناطق شمالی فرات در آمد. مضاف به این که در همین مناطق نفتی شرق کشور (ابو کمال در استان دیرالزور در امتداد رود فرات) "ارتش آزاد سوریه" نیز حاضر بود. این دو گروه از سوی ارتش امریکا حمایت می شدند و می شوند. به اعتبار گزارش سایت Oil Price کل ذخائر نفتی سوریه ۲.۵ میلیارد بشکه برآورد شده است. ۷۵ درصد از این میزان در منطقه دیرالزور در شرق سوریه قرار دارد. پیشتر و از اوائل جون ۲۰۱۴ تمام منطقه دیرالزور در اشغال داعش بود. این گروه پس از نبرد با گروه جبهه النصره محمد جولانی و شکست آنان ابتداء ابوکمال و سپس میادین و به دنبال آن رقه را نیز تسخیر کرد. این ماجرا منجر به قطع ارتباط دولت های سوریه و عراق شده بود. فقط ۸ سال بعد از شروع جنگ داخلی بود که گذرگاه مرزی القائم میان ابوکمال و قائم مجدداً گشوده شد و در اختیار ارتش سوریه قرار گرفت. از سوی دیگر در طول جنگ پالایشگاه حمص نیز به دلیل تخریب داعش از رده تولید خارج شد. به این ترتیب دولت بشار اسد به "یمن" جنگ داخلی در طول ۱۲ سال فقط ۱۰۰ میلیارد دالر از ناحیه کاهش درآمدهای نفتی خسارت خورد. بعد از سال ۲۰۲۲ نیز که تولید نفت سوریه به ۸۲ هزار بشکه افزایش یافت از این میزان فقط ۱۴.۲ هزار بشکه به پالایشگاه های سوریه می رسید و بقیه از سوی دولت امریکا و نیروهای تحت حمایتش تاراج می شد. بنا به محاسبه وزارت نفت سوریه از شروع جنگ داخلی تا نیمه سال ۲۰۲۲ دولت امریکا در حدود ۱۰۵ میلیارد دالر از منابع نفتی سوریه را به سود خود و گروه های مزدور مصادره کرده بود. به این ترتیب دولت سوریه ناگزیر بود برای تأمین نیازهای پالایشگاه فرسوده بانیا س روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت از جمهوری اسلامی ایران بخرد. در نتیجه این اوضاع وخیم بود که صاحبان خودروهای شخصی برای پُر کردن یک باک بنزین باید ۲۴ ساعت تمام در صف می ماندند. تمام شهرهای تحت تسلط دولت روزانه فقط ۳ ساعت برق داشتند در حالی که شهر ادلب (پایتخت دولت محبوب ناتوی جولانی) ۲۴ ساعت کامل برق داشت! آنهم برق رایگان! این درجه از سخاوتمندی اردوغان برای حاتم طائی نیز باور کردنی نبود. برای مردم کوچه و بازار سوریه شهر ادلب به پاریس سوریه مشهور شده بود. شهری که در اشغال تروریست های دست پرورده دولت ترکیه بود.

در گزارش های متعدد اکونومیست گفته شده است که میزان گاز طبیعی موجود در شرق مدیترانه از جمله سوریه و لبنان و لیبیا و قبرس و البته سرزمین های اشغالی موسوم به "اسرائیل" بالغ بر ۱۲۲ تریلیون فوت مکعب است. همین امر سبب شده است که برخی ناظران پیگیر حوادث منطقه دلیل جنگ های لبنان و سوریه و لیبیا را سلطه بر این میادین

عظیم گازی بدانند. سرزمین سوریه مرکز ترانزیت این انرژی شگفت انگیز است. پیش از این درباره مخالفت بشار اسد با خط لوله انتقال گاز از قطر به سوریه و سپس ترکیه و اروپا به اجمال سخن گفتیم. باری در بدو شکل بندی جنگ داخلی سوریه آژانس بین المللی انرژی از ورود جهان به "عصر طلایی گاز طبیعی" در هزاره سوم گزارش مبسوطی ارائه کرده و طی آن به گره خوردن ژئوپولیتیک و انرژی و اهمیت سوریه پرداخته بود. بیهوده نیست که از نظر بسیاری از تحلیلگران حوزه انرژی نسل کشتی رژیم صهیونیستی در غزه و برنامه بلند مدت دولت اشغالگر برای خاورمیانه جدید دست اندازی به منابع گاز و "جنگ گازی" ارزیابی شده است. دندان گرد دولت های عضو یورو – آتلانتیک برای بلعیدن اوکراین سابق به عنوان یک عضو ناتو – با وجود فقدان ستندردهای لازم گنگ های حاکم بر کیف – در متن همین "جنگ گازی" آب بندی شده است. همان طور که بالا کشیدن گرجستان را در راستای ترانزیت گاز طبیعی به اروپا و مفتخوری و مفتخوری غرب باید تلقی کرد. حمله امپریالیستی که با ضد حمله به هنگام فدراسیون روسیه و درهم شکستن توان نظامی ناتو خنثا شده است. کمالین که ایجاد شرکت گازپروم نیز نوعی پیشدستی روسیه برای ارائه گاز خود به اروپا و کسب درآمدهای طلایی بوده است.

باری در سال ۲۰۱۶ کشف میدان وسیع گازی در حومه شهر حمص جنگ داخلی سوریه را وارد برهه ای جدید کرد. بعد از این اکتشاف بود که دندان گراز هاری چون اردوغان و البته دولت های ناتو چنان تیز شد که بسادگی نمی توانستند از این منبع غنی جواهرگونه بگذرند. بسیار باهوده است که پس از اشغال کل سرزمین سوریه از سوی تروریست های نیابتی ترکیه- امریکا- اسرائیل، اردوغان مدعی شده است که شهرهای ادلب و حما و حمص از ابتداء متعلق به ترکیه بوده است!

کافی بود سوریه به صلح و ثبات برسد و سرمایه گذاری و استحصال گاز منطقه حمص آغاز شود. در این صورت دولت سوریه می توانست به اعتبار حضور پایگاه های نظامی روسیه در دو بندر طرطوس و لاذقیه براحتی گاز خود را از طریق بحیره مدیترانه وارد اروپا کند و ترکیه و آذربایجان و اسرائیل را در تنگنا قرار دهد. به گزارش سازمان ژئولوژیک امریکا ذخایر گاز طبیعی سوریه فقط در بحیره مدیترانه ۷۰۰ میلیارد متر مکعب است. پیش از شروع جنگ های داخلی تولید گاز طبیعی سوریه – به اعتبار گزارش روزنامه الوطن نزدیک به دولت – بالغ بر ۳۰.۲ میلیارد متر مکعب در سال بود. به نوشته خبرگزاری "کردپرس/ ۲۷ آذر ۱۴۰۳" بخش عمده این گاز از میداین گازی واقع در استان حسکه (شامل میدان های رمیلان با تولید روزانه ۲ میلیون متر مکعب و جیسه ۱.۶ میلیون و میدان های هفتگانه فوق العاده غنی تدمر^۴) تأمین می شد. واقعیت تلخ این است که کل میداین نفتی و گازی استان حسکه بعد از شروع جنگ داخلی مانند هلو در گلوی نیروهای گرد موسوم به SDF رفته است. نیروهائی که زیر پرچم امریکا برای "حقوق دمکراتیک خلق کورد" می جنگند!

جنگ داخلی سوریه دولت این کشور را از تمام درآمدهای این منابع غنی محروم کرد. از همین منظر است که اریک زویس در مقاله "جنگ نفت و گاز در سوریه بر روی نقشه" به ارزیابی استدلالی نکات پیش گفته پرداخته و جنگ داخلی سوریه را امری "مهندسی شده در واشنگتن" دانسته است.^۵ ادامه دهیم!

ب. تحریم جنایتکارانه تحت عنوان "قانون سزار"!

جناب سزار ظاهراً عکاسی از جمع نظامیان سابق سوری بود که هرگز هویت واقعی اش دانسته نیامد. بنا به ادعای ایالات متحد این آقای سزار ۵۰ هزار عکس از زندان های دولت سوریه و زندانیان تحت شکنجه گرفته و آنها را تحویل رهبران غرب دمکراتیک داده بود. این که یک عکاس با آنهمه وسایل عکاسی چگونه توانسته بود زیرآبی بزند و وارد

زندان های "مخوف" بشار اسد شود و با خیال راحت آنهمه عکس متنوع از شکنجه و شکنجه گران و زندانیان زخم و زیلی بگیرد - بدون آن که تشکیلات امنیتی بو ببرد- خود داستان دیگری است که هرگز چند و چون آن معلوم نشد. موساد است دیگر! به هر حال غرب و البته امریکا به بهانه و به پشتوانه همین عکس های جناب آقای سزار قانون تبهکارانه ای علیه دولت بشار اسد تصویب که به "تحریم سزار" مشهور شد. گاهی اوقات و احتمالاً فقط گاهی اوقات کمی تردید در روایت رسانه اصلی بد نیست. به یاد داشته باشیم که این بوق های کر کننده رسانه اصلی بود که بعد از ۱۱ سپتمبر چنان پروپاگاندائی علیه دولت عراق راه انداخت که در یک نظر سنجی گالوپ بیش از ۷۰ درصد امریکائی های "باهوش" مجاب شده بودند که دستور حمله به برج های دو گانه را صدام حسین صادر کرده است. به یاد داشته باشیم که در نتیجه تحریم های مشابه "سزار" علیه مردم عراق بود که بیش از نیم میلیون کودک عراقی جان دادند و خانم مادلین آلبرایت به وضوح گفت "به نتیجه اش می ارزید." این دیگر جنایت علیه بشریت است. پلشت ترین شکل نسل کشی است که امریکا مرتکب می شود و نام آن را تحریم می گذارد. در نتیجه همین تحریم های فلج کننده بود که مردم عراق چنان ناتوان شده بودند که ترجیح می دادند ابلیس بیاید و جان شان را بگیرد مگر از آن وضع نکبت بار رها شوند. باری قانون سزار از تاریخ چهارشنبه ۲۸ خرداد- جوزا- ۱۳۹۹ (۱۷ جون ۲۰۲۰) به دستور دولت ترامپ اجرائی شد. اما سابقه تحریم امریکا علیه دولت سوریه به سال ۱۹۷۹ باز می گردد. در سال ۲۰۱۱ و با شروع جنگ های داخلی، دولت اوباما تحریم علیه دولت سوریه را با شدت بیشتری دنبال کرد. اهداف این تحریم ها درست مانند سایر تحریم های امریکا - از کوبا تا عراق و ایران و ونزوئلا- "بی تردید بشردوستانه" و "ضد دیکتاتوری" و به منظور "گسترش دموکراسی و حقوق بشر" بود! آنچه نفس مردم سوریه را گرفت تحریم های موسوم به "قانون سزار" در دولت "نجاتبخش" ترامپ بود. به موجب این قانون دولت ها و شرکت ها و افرادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به دولت سوریه کمک های مالی و نظامی ارائه کنند و یا در حوزه های نفت و گاز طبیعی و هواپیماهای نظامی و ساخت و ساز این کشور فعال باشند شامل تحریم خواهند شد. قانون سزار علاوه بر اعمال فشار بر بخش های کلیدی اقتصاد سوریه، داد و ستد خارجی و بانک مرکزی این کشور را نیز مورد هدف قرار داد. در اولین اقدام وزارت امور خارجه و خزانه داری امریکا ۳۹ شخص و مؤسسه را ذیل قانون سزار و فرمان اجرائی ۱۳۸۹۴ در لیست تحریم قرار دادند. مهم ترین آنان عبارت بودند از: بشار اسد و همسرش اسماء اسد، محمد حمشو و تیپ فاطمیون، ماهر اسد همراه با لشکر چهارم نیروهای مسلح سوریه و رهبران آن غسان علی بلال و سامر دانا و افراد دیگری چون بُسری اسد و منال اسد و اعضای اصلی خانواده حمشو. بنا به ادعای وزارت خزانه داری دولت اوباما، محمد حمشو (عضو پارلمان سوریه) از سرمایه داران بزرگ سوریه به شمار می رود. امریکا مدعی بود که حمشو و اعضای خانواده اش رابطه نزدیکی با بشار اسد داشتند و گروه بین المللی حمشو به اعتبار فعالیت ۲۰ شرکت و مؤسسه زیر مجموعه خود در سرکوب مخالفان اسد نقش مستقیم داشته است.

جالب این که فرد اصلی و الیگارش اول اقتصاد سوریه یعنی رامی مخلوف در فهرست تحریم های امریکا و قانون سزار قرار نداشت!

به محض اجرائی شدن تحریم سزار ارزش هر دالر امریکا که معادل ۷۰۰ پوند سوریه بود به طرز وحشتناکی به ۳۰۰۰ پوند یعنی بیش از ۴ برابر رسید. قیمت کالاهای اساسی مانند غذا و دارو بشدت افزایش یافت. شریک جرم امریکا یعنی اتحادیه اروپا نیز تمام دارائی های سوریه را مسدود کرد. نگفته نماند که پیش از جنگ داخلی هر دالر امریکا معادل ۴۵ پوند سوریه بود. در نتیجه تورم افسار گسیخته اعتراضات گسترده ئی حتا در مناطق تحت تسلط دولت علیه بشار اسد شروع شد. فاجعه زمانی شکل بست که به گزارش گیر پدرسون (نماینده ویژه سازمان ملل متحد در

امور سوریه) قحطی مواد غذایی و دارویی کشور را فرا گرفت. به گزارش پدرسون بعد از اجرای قانون سزار نزدیک به ده میلیون سوری به سیاهچال گرسنگی و سوءتغذیه افتادند. کاهش وحشتناک ارزش پول ملی سوریه به جایی رسید که در مناطق شمالی عملاً لیر سوری اعتبارش را از دست داد و لیر اردوغان جای آن را گرفت! در این میان نکته جالب تر این بود که مناطق تحت سیطره کردها به طور کامل از تحریم امریکا معاف اعلام شده بود. "نیروهای دمکراتیک کردستان" مستقر در حسکه که مناطق نفتی و گازی ابوکمال را نیز در اختیار داشتند براحتی انرژی سوریه را با متحدان غربی خود معامله می کردند. درست یک سال پس از اعمال قانون سزار بیش از ۸۰ درصد ساکنان سوریه به زیر خط فقر سقوط کردند و کشور به یک جهنم تمام عیار تبدیل شد. جا به جایی نخست وزیر و برکناری عماد خمیس و انتصاب حسین عرنوس گره از هیچ مشکلی نگشود. اصلاحات سیاسی نمی توانست بحران اقتصادی را حل یا تعدیل کند. در نتیجه بشار اسد رویکرد برخورد با فاسدان اقتصادی و مالیات گریزان و بدهکاران بانکی و رانتخواران را در پیش گرفت. رامی مخلوف (پسر دانی اسد) که بیش از ۷۰ درصد اقتصاد سوریه را در اختیار داشت، دست به چنان سند زنی ماهرانه ای زده بود که ارزیابی های بازرسان نشان می داد وی فقط ۷۷ میلیون دالر فرار مالیاتی دارد. به این ترتیب مافیای فساد که در تمام ارکان و ارگان های دولت سوریه ریشه دوانده بود از زیر ضرب گریخت. آنک دولت اسد در آستانه پرتگاه اضمحلال و زوال ایستاده بود.

۱۲ سال جنگ داخلی و گسیل تمام حشرات تروریست به این جنگ، رقابت و منازعه تمام قدرت های بزرگ و کوچک جهانی و منطقه ای در سرزمینی کوچک، تخریب شیرازه مدنیت و ویرانی شهرها و قحطی و گرسنگی و بیماری و تشدید تحریم های جنایتکارانه و فساد سیستماتیک و کاهش شدید دستمزد کارگران و تعویق چندماهه حقوق نظامیان و.... به مراتب سنگین تر از آنی بود که دولت نحیف بشار اسد بتواند زیر آوار آن تاب آورد. از میانه های سال ۲۰۲۳ و چند ماه پیش از ۲۷ نومبر ۲۰۲۴ و شروع یورش تحریر الشام به حلب صدای شکستن استخوان های دولت شنیده می شد. یک تلنگر کافی بود تا توازن قواء را در عرض ۱۳ روز یک سره به نفع تروریست ها تغییر دهد. این تلنگر از ابتدای دسمبر ۲۰۲۴ به ضرب ترکیه و ضربه اسرائیل و ضمیمه پیاده نظام چند ملیتی تحریر الشام زده شد.... ادامه دارد.

شنبه ۲۲ دی- جدی- ۱۴۰۳ / ۱۱ جنوری

پی نوشت ها:

۱. در مورد جزئیات سقوط موصل بنگرید به پاره دوم (مصاف موصل) از کتاب: کوبرن پاتریک (۱۴۰۲) تروریسم ارتش نئولیبرالیسم، ترجمه و تألیف و همکاری محمد فراگوزلو، تهران: انتشارات روزآمد.

۲. در این زمینه ن. ک به: کتاب داستانی و واقعی:

گال کارلوتا (۱۴۰۱) فتح نامه کابل. اسرار پنهان جنگ بی پایان، ترجمه و تحقیق و بازنویسی محمد فراگوزلو، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

۳. Wright Robin (2008) Dreams and Shadows: the future of the Middle East, Penguin, pp 234- 246

۴. در میدانی گازی منطقه تدمر از استان حسکه میزان تولید گاز از این قرار بوده است: میدان شاعر ۳ میلیون متر مکعب در روز. میدان هیل ۲ م. میدان آراک ۷۵۰ هزار م. میدان حیان ۶۵۰ م. میدان مهر ۴۰۰ م. میدان جحار ۳۵۰ م. میدان ابو ریاح ۳۰۰ م. خدا بدهد برکت به "برادران مبارز" کورد و حامیان امریکائی شان!

<https://just-international.org/articles/syria-the-uprising-against-president-al-assad-was-engineered-in-washington> .۵

اصل مقاله اینجا منتشر شده است:

The original source of this article is Strategic Culture. Copyright © Eric Zuesse, *Strategic Culture*, 2015

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-caesar-act-restricts-normalisation-syria> .۶